



# می خوام مسیحی باشم!

سید میثم موسوی

تصویرگر

نیلوفر هادوی

دبیر دبیرستان خدیجه (س)، آموزش و پرورش ناحیه ۲ اصفهان



گفتم: از این نظر که تو برای انتخاب بهترین راه‌های سعادت خودت، مشغول تحقیق و پژوهش شده‌ای. تصمیم یه نوجوان به مطالعه و تحقیق، تبریک نداره؟ با سرخوشی آکنده از تردیدی گفت: «درسته، ولی خانم... (منظورش دبیر درس بود) وقتی از تصمیم من مطلع شد، گفت برای کسانی که از مسلمانی به مسیحیت تغییر ایده می‌دن، حکم ارتداد اعمال می‌شه! برای همین ناراحت شدم. این حرفش به من برخورد و گریه کردم.»

گفتم حالا بگذار در مورد ارتداد بعداً صحبت می‌کنیم. گفت نه خانم! الان بگین! در پاسخ به اصرارش توضیح دادم: دخترم، در مورد ارتداد باید گفت، چون اسلام عامل پیوند مردم در جامعه است، ارتداد و اظهار کردنش، باعث گسستگی مردم می‌شه. ولی پژوهشگری که به دنبال دلیل و برهانه، آگه با شک مواجه بشه و درصدد یافتن دین حق باشه، شک موجب کفر و ارتدادش در دوره تحقیق نمی‌شه؛ کسی که از روی تحقیق دچار شبهه شد و برای خودش دین دیگری رو انتخاب کرد بدون اینکه در جامعه آن را اظهار و تبلیغ کنه، حکمش اعدام نیست.

خب، بگذریم! حالا که دست به کار تحقیق و پژوهش شدی، اولاً بگو ببینم چرا می‌خواهی تغییر دین بدی؟ ثانیاً کدام یک از انجیل‌های اربعه را مطالعه کردی و قصد داری بهش متدین بشی؟ برای بار دوم چشمانش را گرد کرد: «خانم! مگه چند

پاییز سال ۹۸ بود و دفتر مدرسه پر از همه‌مه. تازه زنگ تفریح خورده بود. دبیران با چهره‌های خسته، دفترهای کلاسی را روی میز می‌گذاشتند تا اندکی استراحت کنند و با نوشیدن استکانی چای، گلویی تر و تازه کنند.

صدای معاون مدرسه که از طریق میکروفون نمایندگان کلاس‌های پایه نهم را فرا می‌خواند، در بلندگوی حیاط مدرسه پخش می‌شد و پژواکش در گوشم می‌پیچید.

استکانی چای از داخل سینی برداشتم. در همان حال با خودم فکر کردم، قطعاً یکی از مناظری که ما ایرانی‌ها را بسیار سرحال می‌آورد، دیدن یک سینی پر از چای است. دبیران در صندلی‌های دفتر جا خوش کردند. در جای نان که باز شد، بوی عطر نان تازه مشام‌ها را پر کرد. دم در دفتر، یکی از دانش‌آموزان مرا صدا زد. استکان به دست به سویش رفتم. نگاهم به چهره‌اش دقیق شد؛ نوک بینی‌اش قرمز شده بود و پلک نازک پای چشمش کمی متورم. قرینه‌ها نشان می‌داد گریه کرده است. با دستی که آزاد بود، آرام روی شانه‌اش زدم: ... جان! چه خبر؟ چرا چشمانت اشک‌آلودند؟ بی‌مقدمه و با خشمی دخترانه گفت: «خانم! من بعد از یک مجموعه تحقیق، می‌خوام دیگه مسیحی بشم.» با لبخند ولی جدی گفتم: تبریک می‌گم! چشمانش از تعجب گرد شده بود: «خانم! جدی می‌گین؟»

خندیدیم و جواب دادم بله. جدی می‌گم. گفت: «چرا تبریک؟»

تا انجیل داریم؟»

گفتم: حداقل چهار تاشون معروف تر هستن و در دسترس پیروان این دین. پرسید: «مثل ما مسلمون‌ها که می‌گیم قرآن کریم، قرآن مجید، قرآن مبین و...؟ اون‌ها هم همین طورند؟»

لبخندی زد. از استکان چایی که داشت یخ می‌کرد کمی نوشیدم و گفتم، نه عزیزم. اون اسامی در واقع صفاتی هستند که به یک کتاب داده می‌شوند. ولی کتاب‌های مقدس مسیحیان چندتایی هستن که معروف‌ترین اون‌ها «مرقس»، متی، لوقا و یوحنا» هستن. توی پرانتز بگم، برنابا، که البته این آخری زیاد معروف نیست و شاید شبیه‌ترین به قرآن مسلمانان باشه. پرسید: «اون‌های دیگه چی؟»

گفتم، پژوهشگران دانشمند معتقدن دو انجیل مرقس و متی که از انجیل‌های قانونی هستن رو، قبل از انجیل لوقا، نویسندگان نوشته‌ان. تعداد زیادی انجیل هم (غیر از این دو انجیل معروف) در زمان نگارش انجیل لوقا موجود بودن. دانش‌آموزم سؤال کرد تعداد زیادی انجیل؟ تأکید کردم و ادامه دادم این‌طور که من قبلاً مطالعه مختصری در این باره داشتم، فهمیدم که از حدود ۶۰ تا ۱۰۰ سال بعد از میلاد مسیح (علیه‌السلام)، انجیل‌هایی نوشته شده‌ان که اسم نویسندگانشون خیلی هم مشخص و معلوم نیست. تو قرن دوم این اسامی رو به اون انجیل‌ها داده‌ان و بیشتر عباراتشون هم سینه‌به‌سینه نقل شده و بعدها مکتوب شده‌ان. گفتم: «خانم، من نمی‌دونستم چند تا انجیل وجود داره! ولی به هر حال من با دیدن یک مجموعه فیلم‌های تبلیغی و حضور تو بحث‌های خانوادگی، به این نتیجه رسیدم که راه مسیحیت نجات‌دهنده زندگی ماست... به دلیل دیگه من اینه که اون‌ها در مراکز مثل بیمارستان‌ها و پرورشگاه‌ها به بیماران و فقرا و نیازمندان خیلی کمک می‌کنن. حتی بابا نوئل دارن که خیلی کارهای خیررسانی رو انجام می‌ده. دروغ و تقلب تو کارهاشون نیست و روش‌های زندگی‌کردنشون صادقانه‌تر از ماهاست!»

بهش گفتم: دخترم! اگر موضوع تحریف کتاب و قوانین آسمانی نبود، دلیلی عقلانی وجود نداشت که بعد از مسیحیت، باز هم دین تازه‌ای به میدان بیاد و پیروان جدیدی بطلبه! الان سؤال من از تو اینه، حالا که می‌خوای با تحقیق و پژوهش راه زندگی خودت رو انتخاب کنی، چرا داری عقب‌گرد می‌کنی و به دین دوهزار و خرده‌ای سال پیش متوسل می‌شی؟ حداقل بیا بین جوان‌ترین دین دنیا که حدود ۶۰۰ سال بعد از مسیحیت اومده، چی می‌گه. گفتم: «چرا از لفظ عقب‌گرد استفاده کردین؟» گفتم به مثال می‌زنم: دانش‌آموز کلاس نهم هیچ‌وقت مثلاً برای پیشرفت تو درس ریاضی بر نمی‌گرده توی کلاس پنجم دبستان

بشینه و ریاضی بخونه، بلکه میاد با استفاده از اطلاعات قدیمی و قبلی خودش، جدیدترین مسائل ریاضی رو پله به پله مطالعه می‌کنه و خودش رو به علم و دانش روز مجهز می‌کنه. ما هم برای داشتن یه برنامه درست دینی، نمی‌آییم به سمت عقب برگردیم و مثلاً تابع «صُحْف» ابراهیم (علیه‌السلام) یا «تورات» حضرت موسی (علیه‌السلام) بشیم، بلکه می‌آییم می‌بینیم آخرین دین چی گفته. یه مثال: اگه من توی کلاستون از برنامه امتحان برای هفته آینده صحبت کنم و تو در ضمن صحبت من اجازه بگیری و بری بیرون از کلاس و بعد از یک ربع ساعت برگردی، از نماینده‌تون چی می‌پرسی؟ او گفت، می‌پرسم بالاخره آخرین تصمیم برای امتحان چی شد؟ گفتم، نفست گرم! آفرین. تو دنبال آخرین تصمیم‌گیری تأییدشده می‌گردی، نه اولین تصمیم‌ها یا برنامه‌ها! کمی فکر کرد و آرام گفت درسته! ولی از کجا معلوم قرآن هم تحریف نشده باشه؟ گفتم من فقط یه دلیل برات می‌بارم، ولی حالا که تو مسیر تفکر و تحقیق افتادی، خودت برای سایر ادله تلاش کن. زنگ خورده بود و ناچار باید به کلاس‌هامان می‌رفتیم. گفتم: «خانم با ما کلاس دارین!» استکانم را گذاشتم روی میز و با هم قدم‌زنان سمت کلاس رفتیم. گفتم: «دلایلتون؟» گفتم هزاران نسخه قرآنی دست‌نویس تو موزه‌های بزرگ و معروف جهان وجود دارن؛ از موزه‌های کشورهای شرقی گرفته تا موزه‌های کشورهای اروپایی و حتی موزه‌های روسی و آمریکایی. این نسخه‌های خطی از اولین سده‌های هجری با قدمتی دیرینه موجودن و روی پوست و پاپیروس نوشته شده‌اند. حالا دقت کن که اگر در طول قرن‌های گذشته تو قرآن مسلمونا کوچک‌ترین تحریفی صورت می‌گرفت، قطعاً اون قرآنی که الان تو دست ما مسلمونا تو گوشه و کنار دنیا و سرزمین‌های گوناگون وجود داره، با اون‌هایی که الان توی موزه‌ها نگهداری می‌شه، متفاوت بود!

انگشت‌به‌دهان گفت: راست می‌گینا! ادامه دادم: ولی ما متوجه می‌شیم که حتی یک کلمه هم تو قرآن‌ها، چه خطی و قدیمی تو موزه‌ها و چه چاپ‌های جدید قرآن‌های معمولی، تفاوتی نیست که اگر بود، قطعاً این نقطه‌ضعف بزرگ هزاران هزار بار تو بوق و کرنا مطرح می‌شد که آی ایهالاناس، بیاید که قرآن مسلمانان هم تحریف شده است! در ضمن، یه نکته دیگه هم بگم و بریم توی کلاس. هیچ‌وقت ملاکت اعمال و رفتار پیروان یه دین نباشه. ببین، تو نص قرآن، به‌عنوان کتاب قانون زندگی، چه دستورات حیات‌بخشی نهفته‌ان! اگه خطا بود، کنارش بگذار. به قول معروف:

اسلام به ذات خود ندارد عیبی

عیبی هم اگر هست از مسلمانی ماست.

والسلام